

## تأثیر اخلاق مالیاتی، حسابداری ذهنی و دانش مالیاتی خویش فرمایان بر تمکین مالیاتی آنها (مطالعه موردی مودیان حقیقی استان یزد)

دکتر سهیلا شهرستانی

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران.  
s.shahrestany@yahoo.com

علی شریفی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران. (نویسنده مسئول).  
alisharify.1389@gmail.com

دکتر محمود معین الدین

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران.  
mahmoudmoein@gmail.com

### چکیده

پژوهش پیش رو با هدف بررسی تأثیر اخلاق مالیاتی، حسابداری ذهنی و دانش مالیاتی خویش فرمایان بر تمکین مالیاتی آنها (مطالعه موردی مودیان حقیقی استان یزد) در بازه زمانی سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ صورت گرفته است. پژوهش از نظر ماهیت و روش، از نوع پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی بوده و از نظر هدف، کاربردی قلمداد می‌گردد. جامعه آماری متشکل از مودیان حقیقی شهر یزد می‌باشد و نمونه آماری نیز از طریق فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شده است که در نهایت تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده که برای سنجش تمکین مالیاتی از پرسشنامه گوزل و همکاران (۲۰۱۹)، برای سنجش اخلاق مالیاتی نیز از پرسشنامه پالیل (۲۰۱۰)، برای سنجش دانش مالیاتی از پرسشنامه حاج محمدی (۱۳۹۳) و برای سنجش حسابداری ذهنی از پرسشنامه رادینتو (۲۰۲۰) استفاده شده است. روایی محتوایی-صوری و روایی سازه (تحلیل عاملی تأییدی، روایی همگرا و واگرایی) ابزار پژوهش بررسی و مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن نیز با استفاده از آزمون ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی سنجیده شد و با توجه به اینکه مقدار آلفا برای همه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰٫۷ به دست آمد، با اطمینان می‌توان پایایی ابزار پژوهش را تأیید کرد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است که در بخش اول جداول و نمودارهای فراوانی و در بخش دوم از روش حداقل مربعات جزئی، به وسیله نرم افزارهای SPSS و SmartPLS، جهت آزمون فرضیات و ارائه نتایج پژوهش استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که دانش مالیاتی، حسابداری ذهنی و اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارند. علاوه بر این، دانش مالیاتی بر حسابداری ذهنی تأثیر مثبت و معناداری داشته اما حسابداری ذهنی نتوانسته رابطه بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی را تعدیل نماید و همچنین در استفاده از حسابداری ذهنی تفاوتی بین گروه زن و مرد خویش فرما مشاهده نشد.

**واژگان کلیدی:** اخلاق مالیاتی، حسابداری ذهنی، دانش مالیاتی، تمکین مالیاتی.

### مقدمه

دانش مالیاتی، آگاهی از قوانین، مقررات و بخش‌نامه‌های سازمان امور مالیاتی کشور و تکالیف قانونی است. آگاهی مودیان مالیاتی از دانش مالیاتی باعث جلوگیری از فساد و تضییع حقوق مودیان خواهد شد. استفاده از مفاهیم حقوقی، اصلاحات فنی مالیاتی و حسابداری می‌تواند توانایی در شناخت و آگاهی از حقوق و تعهدات افراد را دچار مشکل کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تضعیف و عدم اثربخشی سیاست‌های مالیاتی، پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی است کرچه (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای که انجام داد، نشان می‌دهد که پیچیدگی قوانین مالیاتی، میزان عدم تمکین ناخواسته را افزایش می‌دهد. از سویی دیگر مدت‌زمان طولانی است که در کشورهای مختلف به‌خصوص کشورهای پیشرفته بحث تکیه‌کردن به درآمدهای مالیاتی و اداره نمودن کشور به‌وسیله آن‌ها مطرح شده است. اما مشکلات نظام مالیاتی مانع از انجام این هدف مهم شده است و موضوع مالیات در کشورهایی مثل ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا از طرفی درآمدهای جایگزین مالیاتی مثل منابع طبیعی و نفتی مانع از استقبال از درآمدهای مالیاتی شده بود و از طرفی دیگر معضلات نظام مالیاتی مانند فرار مالیاتی موجب ناکارآمدی آن شده است. چون فرار مالیاتی علاوه بر اینکه عدالت و بی‌طرفی مالیاتی را تضعیف می‌کند، حاکمیت قانون را نیز به مخاطره می‌اندازد چرا که عدم تمکین به قوانین مالیاتی در جامعه عدم پایبندی به قانون و بی‌اعتنایی به آن‌ها را اشاعه خواهد داد (فریا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷).

در ایران، منابع اصلی درآمدهای دولت عمدتاً از دو منبع مالیات و فروش نفت تأمین می‌شود. این مسئله بیانگر نقش بسیار مهم درآمدهای مالیاتی در تأمین نیازهای کشور است (احتشامی و الفتی، ۱۳۹۵). در این میان، یکی از مسائل اساسی اقتصاد ایران در سال‌های گذشته، سهم اندک درآمدهای مالیاتی در بودجه‌های دولت در مقایسه با درآمدهای حاصل از فروش نفت بوده و همین امر باعث شده است درآمدهای حاصل از فروش نفت، تعیین‌کننده اصلی درآمدهای دولت باشد (میلانی و اکبرپور، ۱۳۹۱). که طی سال‌های اخیر نقش و جایگاه خود را به درآمدهای مالیاتی داده است.

نگاهی به اهداف سه‌گانه طرح جامع مالیاتی یعنی نخست: افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق جلوگیری از فرار مالیاتی و حذف معافیت‌های مالیاتی غیرضروری، دوم: کاهش هزینه‌های عملیات سازمان امور مالیاتی از طریق مکانیزه کردن عملیات و بهینه‌سازی فرایندها و سوم: افزایش رضایت صاحبان منافع از طریق برقراری عدالت مالیاتی، تسهیل تعامل با سازمان و تکریم مؤدیان مالیاتی، بیانگر آن است که همواره عدم تمکین مالیاتی مسئله اساسی دولت در سطح کلان و سازمان امور مالیاتی کشور در سطح خرد بوده است. در این میان، یکی از دلایل اصلی برای تدوین طرح جامع مالیاتی، عدم تمکین مؤدیان در پرداخت مالیات بوده است. متأسفانه بررسی آمارهای اقتصادی و مالیاتی نیز بر صحت این موضوع تأکید دارد. اما مسئله دیگر در اینجا عدم وجود مدل جامع و مشخصی برای بهبود تمکین مالیاتی در کشور ایران است. مدلی که بر اساس آن، ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی، سطح تمکین مالیاتی هر مؤدی را اندازه‌گیری و سپس متناسب با سطح تمکین وی، استراتژی‌های مناسبی به‌منظور برخورد با مؤدی توسط سازمان مالیاتی انتخاب گردد تا سازمان قادر باشد متناسب با نوع عامل اثرگذار بر تمکین مالیاتی، اندازه‌گیری سطح عدم تمکین مؤدی و نیز اتخاذ استراتژی‌های مناسب برخورد با مؤدی، شرایط لازم به‌منظور بهبود و سوق رفتار مالیاتی مؤدیان به سمت تمکین داوطلبانه را فراهم سازد (باقری و همکاران، ۱۳۹۶).

بنابراین، مالیات یکی از مسائل مهم اقتصادی هر جامعه است. نقش مالیات در کاهش نابرابری‌های اقتصادی از مباحث قابل توجه در دهه‌های اخیر بوده است. یکی از رویه‌های تعیین مالیات‌ها، روش سنتی بوده که در راستای بهبود تمکین مالیاتی نیازمند افزایش حسابرسی‌ها می‌باشد که از این حیث نیازمند تعداد زیادی نیروی انسانی مجرب و خیره و صرف هزینه‌های مربوطه نظیر دستمزد، آموزش، زمان و غیره می‌باشد که هزینه‌های بالایی را به دولت‌ها تحمیل می‌کند. هموارکردن ساختار نرخ‌ها، گسترش پایه‌های مالیاتی و پیگیری اهداف ساده‌سازی، موضوعات مهمی در حوزه مالیاتی هستند. یکی از عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی، نگرش، برداشت و رفتار مردم در ارتباط با مالیات است که به فرهنگ مالیاتی مشهور است. در یک نظام مالیاتی عادلانه باید نشان داده شود که هیچ‌گونه تبعیضی وجود ندارد و آنکه از امکانات بیشتری در اقتصاد استفاده می‌کند در هزینه‌های اقتصاد هم مشارکت بیشتری دارد. مالیات یک نوع هزینه اجتماعی به

<sup>1</sup> Freya

شمار می‌رود که افراد جامعه به تناسب استفاده از این هزینه اجتماعی باید تقبل پرداخت آن را بنمایند و شهروندان نباید بهای خدماتی را که دریافت می‌کنند به عهده مالیات‌دهندگان سال‌های آینده موکول کنند (حقیقتی فشی و همکاران، ۱۳۹۹).

تمکین مالیاتی عبارت است از قبول و پرداخت داوطلبانه مالیات قانونی تشخیص داده شده در تشکیلات مالیاتی و یا خوداظهاری به معنی تشخیص و محاسبه مأخذ مشمول مالیات و پرداخت آن توسط مودی، در کنار پایبندی داوطلبانه به متن و روح قانون و مقررات مالیاتی است (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۰). تمکین مالیاتی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی برای دولت‌ها به منظور تأمین بودجه و نیل به اهداف اقتصادی و اجتماعی و غیره بسیار مهم است. به بیانی دیگر، تمکین مالیاتی عبارت از توانایی و میل مالیات‌دهندگان به اطاعت از قوانین مالیاتی، اظهار درآمد واقعی در هر سال و پرداخت میزان صحیح مالیات در موعد مقرر است (سازمان درآمدهای مالیاتی آمریکا، ۲۰۰۹).

تمکین مالیاتی به یک موضوع مهم تحقیقاتی در اقتصاد رفتاری تبدیل شده است (کریچلر، ۲۰۰۷). محققان پدیده تمکین / عدم تمکین مالیاتی به طور خاص رفتار مالیات‌دهندگان را با دو رویکرد عمده بررسی کرده‌اند: رویکرد اقتصادی و رویکرد غیراقتصادی. رویکرد اقتصادی به دنبال عوامل محض اقتصادی است و رفتار تمکین را با مفروضاتی همچون مطلوبیت و بیشینه‌سازی سود مورد انتظار بررسی می‌کند. این رویکرد عواملی همچون میزان درآمد واقعی نرخ مالیات، مزایای مالیاتی، حساسی مالیاتی، احتمال حساسی، جریمه‌ها و مجازات‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. گروه دیگری از محققان معتقدند مسئله تمکین مالیاتی پیچیده‌تر از آن است که با رویکردهای محض اقتصادی تبیین شود (کریچلر و همکاران، ۲۰۰۷). در این رویکرد عوامل غیراقتصادی که از نگاه اقتصاددانان دورمانده است، در کنار چارچوب اقتصادی، برای تبیین تمکین مالیاتی معرفی شده است (تامسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱). و عواملی همچون اخلاق مالیاتی، هنجارها، ادراک از انصاف، عدالت و غیره را می‌توان به عنوان عوامل غیراقتصادی نام برد (مورفی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). اخلاق مالیاتی، یعنی تعهد اخلاقی افراد به پرداخت مالیات، باورداشتن به مشارکت در جامعه به وسیله پرداختن مالیات خود و وجود انگیزه درونی افراد یا تمایل آن‌ها برای پرداخت مالیات است (بیلگین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). در نتیجه، یکی از مهم‌ترین و اصولی‌ترین راه‌های افزایش درآمدهای مالیاتی، تلاش برای پذیرش مالیات است (بهراری فرد و جواهری، ۱۳۸۹). لذا، راهکارهای اساسی برای ارتقای پذیرش مالیاتی و کم کردن فرار مالیاتی، توسعه و فرهنگ‌سازی اخلاق مالیاتی در ساختار نظام مالیاتی، کارگزاران، ممیزان و به خصوص مودیان مالیاتی است.

عواملی که بر رفتار تمکین یا عدم تمکین مالیاتی اثر می‌گذارند از یک کشور به کشور دیگر و هم چنین از شخصی به شخص دیگر متفاوت‌اند (کریچلر، ۲۰۰۷). اما می‌توان گفت عوامل عمده‌ای از جمله: تنبیهات نظیر جریم (لینگهام و ساندمو<sup>۴</sup>، ۱۹۷۲). تلاش‌های اجرایی همچون حساسی یا تفاوت‌های فرهنگی؛ ادراکات کنترل رفتار (فورنهام، ۱۹۸۳). هزینه تمکین مالیاتی (سلمرد<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲). رفتار هم‌طرازان، هنجارهای شخصی، آگاهی از سیستم مالیاتی و قوانین مالیاتی (سیلوانی، ۱۹۹۲). برداشت مالیات‌دهندگان از سیستم و مراجع مالیاتی و همچنین معیارهای اخلاقی / معنوی مالیات‌دهندگان و وصول‌کنندگان، انصاف (عدالت) سیستم مالیاتی، عوامل جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت، سن، تحصیلات و میزان درآمد (مورفی، ۲۰۰۴). احساس گناه و شرمساری (ارارد و فینستین، ۱۹۹۴). میل پرداخت مالیات در قبال ارائه ی

<sup>1</sup> Critchler

<sup>2</sup> Tamson

<sup>3</sup> Murphy

<sup>4</sup> Bilgin

<sup>5</sup> Lingham and Sandmo

<sup>6</sup> Salmard

خدمات عمومی، تحصیلات عمومی، اخلاق مالیاتی و ... (هیون، ۲۰۰۵). انگیزه‌ها نظیر پاداش‌ها (فلد فری و تراگر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). را شامل می‌شوند.

از طرفی دیگر، حسابداری نقش بسیار مهمی را در هر سازمان ایفا می‌کند؛ لذا حسابداری ذهنی اولین بار به‌وسیله تیلور در سال ۱۹۹۹ مطرح شد. او بیان نمود که حسابداری ذهنی تلاش می‌کند فرایندی را که افراد به سبب آن پیامدهای اقتصادی را کدگذاری، طبقه‌بندی و ارزیابی می‌کنند، را تشریح نمایند. این حالت بیان‌کننده این است که چارچوب ذهنی افراد از مطلوبیت یک فعالیت می‌تواند در دسته‌بندی درآمد و مخارج بر طبق حساب‌های شناختی مختلف، مؤثر واقع شود (گورویل و سومان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸).

بنابراین، به‌طور کلی می‌توان چنین بیان کرد که هنجارهای اجتماعی قوانین غیررسمی یا رسمی از گروهی هستند که رفتار و ارزش‌های گروه را هدایت می‌کنند (چيالدینی و تروستت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸). آنها به این موضوع اشاره دارند که هنجارها در هر وضعیت اجتماعی وجود دارند، حتی اگر تأثیر آنها بر اعضای گروه مهم نباشد؛ بنابراین، هنجارهای اجتماعی مفاهیم مهمی برای رفتار در هر وضعیتی دارند. از آنجایی که هنجارهای اجتماعی فرضیه‌ای برای تأثیر رفتار در شرایط مختلف هستند، ممکن است بر تصمیمات مربوط به تمکین مالیاتی فردی تأثیر بگذارند. دیویس، هشت و پرکینز (۲۰۱۳) عوامل مؤثر بر رفتارهای تمکین مالیاتی را مدل‌سازی کردند و دریافتند که هنجارهای اجتماعی، همراه با اجرا و دیگر رفتارها، بر تمکین تأثیرگذار هستند؛ لذا باتوجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر در نظر دارد تا تأثیر اخلاق مالیاتی، حسابداری ذهنی و دانش مالیاتی افراد بر روی میزان تمکین مالیاتی آنها را مورد بررسی قرار دهد.

### پیشینه های پژوهش

محمدی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی شناسایی عوامل روان‌شناختی اجتماعی مؤثر بر رفتار عدم تمکین مالیاتی مودیان پرداختند. هدف این مطالعه بررسی عوامل اقتصادی بخشی از رفتار مالیاتی مودیان را توضیح می‌دهد. یافته‌ها نشان داد، متغیرهای مؤثر بر رفتار عدم تمکین مالیاتی شامل: اطلاعات عمومی (دانش مالیاتی ضعیف و فرصت عدم تمکین)، ادراک از فساد، نگرش منفی، هنجارهای ذهنی منفی، کنترل رفتاری ادراک شده به عدم تمکین، تمایل به عدم تمکین، رفتار تمکین شامل ابهام در تعریف و ادراک از سطح تمکین مالیاتی پایین.

منظور (۱۴۰۱) به بررسی تحلیل رفتار تمکین مالیاتی مودیان مالیاتی در ایران: رویکرد نظریه بازی پرداخت. یافته‌ها نشان داد برای جلوگیری از فرار مالیاتی لازم است در باب مصارف مالیات در کشور شفاف‌سازی مقتضی برای مودیان صورت گیرد و با شفاف‌سازی و تسهیل فرایند مالیاتی نسبت به جلب اعتماد مودیان اهتمام شود؛ بنابراین، با وجود عدم شفافیت شایسته، ناکافی بودن اطلاعات و عدم وجود کنترل‌های قانونی برای مودیان و مشاوران، یک تعادل باخت-باخت را موجب می‌شود که نتیجه آن عدم پرداخت مالیات از طرف مودیان و عدم حسابرسی مؤثر از سوی مأموران مالیاتی است.

عربزاده و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر شفافیت مالیاتی بر حسابداری ذهنی در پرداخت مالیات سازمان (مطالعه موردی: شرکت حسابداری و مؤسسه حسابرسی اقتصاد قرن) پرداختند. نتایج نشان داد تفاوت بین فردی و دانش مالیاتی بر حسابداری ذهنی تأثیر مثبت و معناداری دارد، اما شخصیت و مشخصات نجاری بر حسابداری ذهنی تأثیر معناداری نداشته است و همچنین، حسابداری ذهنی بر نیت افراد برای فرار مالیاتی تأثیری نداشته است.

<sup>1</sup> Goreville and Suman

<sup>2</sup> Goreville and Suman

<sup>3</sup> Cialdini and Trostett

ریانتهی و هدایت<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر دانش مالیاتی، عدالت مالیاتی و تحریم‌های مالیاتی بر رعایت مالیات در مالیات‌دهندگان در منطقه غرب باندانگ پرداختند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که دانش مالیاتی ۱۷/۴ درصد بر تمکین مالیاتی تأثیر مستقیم دارد، در حالی که عدالت مالیاتی تأثیر مستقیم ۵/۴ درصدی بر تمکین مالیاتی و تحریم مالیاتی تأثیر مستقیم ۱۳/۵ درصدی بر تمکین مالیاتی را از خود نشان می‌دهد.

الخطیب و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر اخلاق و دانش مالیاتی بر رعایت مالیات در میان مالیات‌دهندگان فلسطینی پرداختند. نتایج نشان داد فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و قابل توجهی بر دولت برای ایفای تعهدات خود می‌گذارد.

موهلباگر و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان بررسی حسابداری ذهنی و انطباق مالیاتی: شواهد تجربی برای تأثیر تفکیک ذهنی مالیات و درآمد بر رعایت مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد گرایش فردی به تفکیک ذهنی مالیات متعلق و درآمد خالص به طور مثبت با جنس و سن پاسخ‌دهندگان، نگرش آن‌ها نسبت به پرداخت مالیات و تجربیات جمع‌آوری شده در جریان آزمایش مرتبط است.

## روش شناسی پژوهش

محققان در خصوص تعریف مشخصی از انواع روش‌های تحقیق اتفاق نظر نداشته و بر این اساس تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از آن موجود است. مدل پیاز تحقیق یکی از این تقسیم‌بندی‌هاست که توسط ساندرز و همکاران ارائه شده و از جامعیت بیشتری برخوردار است (ساندرز، ۲۰۰۳). مطابق مدل پیاز تحقیق جهت‌گیری پژوهش، کاربردی، از نظر مطالعه کیفی، از نظر فرایند کمی و از نظر فلسفه پژوهش از نوع تحقیقات اثبات‌گرایانه است. در تحقیقات اثبات‌گرایی اعتقاد بر این است که واقعیت به صورت عینی و مشخص وجود دارد. رویکرد پژوهش استقرایی محسوب می‌شود و از نظر افق زمانی یک تحقیق تک مقطعی است؛ زیرا در پژوهش‌های تک مقطعی اطلاعات فقط در یک برهه از زمان جمع‌آوری می‌شود. از نظر هدف شناختی تحقیق حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است و در نهایت استراتژی‌های پژوهش در قالب پژوهش‌های پیمایشی قابل بیان می‌باشد. این راهبرد درصدد کشف واقعیت‌های موجود و توصیف یک جامعه تحقیقی در زمینه توزیع یک پدیده معین می‌باشد. باتوجه به میدانی بودن تحقیق، در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از کتابخانه‌ای و از ابزار پرسش‌نامه و برای تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، متشکل از مودیان حقیقی شهرستان یزد هستند. در این مطالعه برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده و نمونه‌ای به حجم ۳۸۴ نفر انتخاب شد. روش نمونه‌گیری نیز به صورت نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد. یک مزیت مهم نمونه‌گیری همبستگی و سهولت استفاده از آن است.

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی پژوهش

در این قسمت هدف آن است که زمینه‌آشنایی با پاسخگویان در نمونه مورد مطالعه از نظر متغیرهایی همچون سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، رشته تحصیلی در دانشگاه و میزان سابقه کاری فراهم شود؛ بنابراین قبل از بررسی ارتباط میان متغیرها و نتایج آزمون فرضیات، به بیان نتایج حاصل از بررسی خصوصیات نمونه و نتایج توصیفی سؤالات

<sup>1</sup> Guidance and guidance

<sup>2</sup> Al-Khatib et al

<sup>3</sup> Muehlbacher et al

پرسش نامه که توسط نرم افزار SPSS صورت گرفته است، پرداخته می شود. نتایج تحلیل های انجام شده بر روی نمونه مورد بررسی در جدول های زیر ارائه گردیده است.

اهم موضوعاتی در این قسمت مورد تحلیل توصیفی قرار گرفته اند، عبارت اند از:

- بررسی از نظر سن پاسخ دهندگان
- بررسی از نظر جنسیت پاسخ دهندگان
- بررسی از نظر وضعیت تأهل پاسخ دهندگان
- بررسی از نظر تحصیلات پاسخ دهندگان
- بررسی از نظر میزان سابقه کاری پاسخ دهندگان
- بررسی از نظر رشته تحصیلی پاسخ دهندگان

جدول (۱): خلاصه نتایج توصیفی

متغیر	دامنه	فراوانی	درصد فراوانی
سن	زیر ۲۰ سال	۲۶	۶,۸۰
	۲۱ تا ۳۰ سال	۱۵۹	۴۱,۶۲
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۴۷	۳۸,۴۸
	۴۱ تا ۵۰ سال	۴۲	۱۰,۹۹
	بالای ۵۰ سال	۸	۲,۰۹
جمع	جمع	۳۸۲	۱۰۰,۰
	مرد	۲۱۹	۵۷,۳۲
جنسیت	زن	۱۶۳	۴۲,۶۷
	جمع	۳۸۲	۱۰۰,۰
وضعیت تأهل	مجرد	۱۱۵	۳۰,۱۰
	متاهل	۲۶۷	۶۹,۸۹
	جمع	۳۸۲	۱۰۰,۰
تحصیلات	دیپلم و زیر دیپلم	۱۰	۲,۶۱
	کاردانی	۱۸۹	۴۹,۴۷
	کارشناسی	۱۲۰	۳۱,۴۱
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۶۳	۱۶,۴۹
	جمع	۳۸۲	۱۰۰,۰
میزان سابقه کاری	کمتر از ۵ سال	۳۴	۸,۹۰۰
	۶ تا ۱۰ سال	۶۳	۱۶,۴۹
	۱۱ تا ۲۰ سال	۱۶۲	۴۲,۴۰
	۲۱ تا ۳۰ سال	۱۰۱	۲۶,۴۳
	بالای ۳۰ سال	۲۲	۵,۷۵
رشته تحصیلی	جمع	۳۸۲	۱۰۰,۰
	مالی و حسابداری	۲۶۴	۶۹,۱۰
	سایر رشته ها	۱۱۸	۳۰,۸۹
جمع	۳۸۲	۱۰۰,۰	

نمودار میله ای مربوط به هر متغیر در پیوست ارائه شده است.

### مقایسه متغیرهای پژوهش با حد وسط مقیاس اندازه گیری

آزمون t تک نمونه برای مقایسه میانگین مشاهده شده متغیرهای پژوهش با میانگین نظری مقیاس اندازه گیری نشان داده است که باتوجه به سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵، میانگین تمام متغیرها به صورت معنادار متفاوت از میانگین نظری است و باتوجه به میانگینهای برآورد شده متغیرها می توان نتیجه گرفت میانگین تمام متغیرها بزرگتر از ۳ بوده پس به صورت معنادار بیشتر از حد متوسط می باشد.

#### جدول (۲): آزمون t تک نمونه برای متغیرهای پژوهش

مقایسه میانگین مشاهده شده با مقدار ثابت ۳					متغیر
تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	میانگین	
۱,۰۵	۰,۰۰۰	۳۸۱	۲۳,۶۲۶	۵,۵۵۱	دانش مالیاتی
۰,۸۵	۰,۰۰۰	۳۸۱	۹,۰۰۳	۵,۳۵۲	اخلاق مالیاتی
۱,۰۵۶	۰,۰۰۰	۳۸۱	۲۰,۲۰۷	۵,۵۵۶	حسابداری ذهنی
۱,۰۲۶	۰,۰۰۰	۳۸۱	۲۳,۸۳۷	۵,۷۶۲	تمکین مالیاتی

### آمار استنباطی

تحلیل های استنباطی در این پژوهش در قالب شش بخش: آزمون مدل بیرونی (مدل اندازه گیری)، آزمون های سنجش پایایی، آزمون های سنجش روایی، آزمون مدل درونی (مدل ساختاری)، ارزیابی برازش و کیفیت مدل و آزمون فرضیه های پژوهش به ترتیب به صورت زیر آمده است:

### آزمون مدل بیرونی (مدل اندازه گیری)

در روش شناسی مدل معادلات ساختاری، ابتدایه ساکن لازم است تا روایی سازه مورد مطالعه قرار گرفته تا مشخص شود گویه های انتخاب شده برای اندازه گیری متغیرهای مورد نظر خود از دقت لازم برخوردار هستند. برای این منظور از تحلیل عاملی تأییدی (CFA)، استفاده می شود. به این شکل که بار عاملی هر گویه با متغیر خود دارای مقدار t بالاتر از ۱/۹۶ و مقادیر P کوچکتر از ۰/۰۵ باشد. در این صورت این گویه از دقت لازم برای اندازه گیری آن سازه یا متغیر مکنون برخوردار است در جدول ۳ مقادیر بار عاملی برای گویه های هر متغیر آورده شده است.

#### جدول (۳): نتایج بررسی مقادیر بار عاملی سوالات برای متغیرهای پژوهش

مقادیر P	آماره t	بار عاملی	گویه	متغیر
۰,۰۰۰	۷,۸۹۹	۰,۵۱۰	Q1	دانش مالیاتی
۰,۰۰۰	۲۲,۴۹۴	۰,۷۱۶	Q2	
۰,۰۰۰	۲۸,۱۳۱	۰,۷۶۵	Q3	
۰,۰۰۰	۲۰,۰۹۹	۰,۷۲۵	Q4	
۰,۰۰۰	۲۶,۲۸۵	۰,۷۸۵	Q5	
۰,۰۰۰	۲۰,۷۲۳	۰,۷۲۸	Q6	
۰,۰۰۰	۳۶,۲۸۸	۰,۷۸۷	Q7	
۰,۰۰۰	۱۹,۹۷۲	۰,۶۷۷	Q8	
۰,۰۰۰	۲۲,۲۷۳	۰,۶۸۶	Q9	
۰,۰۰۰	۴۳,۶۸۲	۰,۹۰۵	Q10	
۰,۰۰۰	۳,۱۴۸	۰,۵۷۶	Q11	

۰,۰۰۰	۱۶۴,۰۵۳	۰,۹۴۸	Q12	حسابداری ذهنی
۰,۰۰۰	۲۸,۸۳۳	۰,۷۷۲	Q13	
۰,۰۰۰	۴۶,۵۱۵	۰,۸۱۳	Q14	
۰,۰۰۰	۳۵,۰۹۴	۰,۷۶۱	Q15	
۰,۰۰۰	۱۶,۴۹۵	۰,۶۵۵	Q16	
۰,۰۰۰	۱۴,۱۴۰	۰,۶۱۶	Q17	
۰,۰۰۰	۲۲,۱۸۷	۰,۷۱۵	Q18	
۰,۰۰۰	۱۵,۴۱۷	۰,۶۸۰	Q19	
۰,۰۰۰	۱۳,۲۴۲	۰,۶۰۵	Q20	
۰,۰۰۰	۲۰,۴۰۲	۰,۷۰۲	Q21	
۰,۰۰۰	۲۸,۱۳۴	۰,۷۵۴	Q22	
۰,۰۰۰	۱۶,۶۹۹	۰,۶۹۰	Q23	
۰,۰۰۰	۱۴,۰۱۵	۰,۶۴۹	Q24	
۰,۰۰۰	۱۶,۵۱۹	۰,۶۸۲	Q25	
۰,۰۰۰	۲۲,۴۳۸	۰,۷۵۹	Q26	تمکین مالیاتی
۰,۰۰۰	۲۱,۱۲۹	۰,۷۲۴	Q27	
۰,۰۰۰	۲۶,۹۰۹	۰,۷۸۳	Q28	
۰,۰۰۰	۲۹,۴۲۱	۰,۸۰۳	Q29	
۰,۰۰۰	۲۸,۱۷۶	۰,۷۷۸	Q30	
۰,۰۰۰	۲۰,۶۲۱	۰,۷۶۱	Q31	
۰,۰۰۰	۳۸,۷۷۰	۰,۸۳۶	Q32	
۰,۰۰۰	۳۵,۱۱۳	۰,۸۴۶	Q33	

همگی گویه ها دارای آماره t بزرگتر از مقدار ۱/۹۶ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بودند؛ بنابراین بدون حذف هیچ گویه ای تحلیل داده‌ها آغاز و به بررسی مدل پرداخته می‌شود. از طرفی بر اساس بارهای عاملی، شاخصی که بیشترین بار عاملی را داشته باشد، در اندازه‌گیری متغیر مربوطه سهم بیشتری دارد و شاخصی که ضرایب کوچک‌تری داشته باشد سهم کمتری رو در اندازه‌گیری سازه مربوطه ایفا می‌کند.

### آزمون سنجش پایایی

نتایج آزمون پایایی به سه روش: ضرایب آلفای کرونباخ، rho\_A و پایایی مرکب در جدول زیر نشان داده شده است. در مدل اندازه‌گیری، هماهنگی درونی مدل یا میزان پایایی، با محاسبه پایایی مرکب<sup>۱</sup> سنجیده می‌شود که این شاخص برای همه متغیرها از شاخص معیار ۰/۷ بزرگ‌تر شده است. همچنین مقداری آلفای کرونباخ و rho\_A بالاتر از ۰/۷ نشانگر پایایی قابل قبول می‌باشد. بنابراین پایایی مدل اندازه‌گیری مورد تأیید قرار گرفته است.

#### جدول (۴): مقادیر شاخص‌های سنجش پایایی

متغیر	آلفای کرونباخ (>۰,۷)	ضریب Rho (>۰,۷)	پایایی ترکیبی (>۰,۷)
اخلاق مالیاتی	۰,۷۶۳	۰,۹۲۹	۰,۹۶۱
تمکین مالیاتی	۰,۸۸۸	۰,۸۸۹	۰,۹۱۵
حسابداری ذهنی	۰,۹۲۸	۰,۹۳۱	۰,۹۳۷

<sup>۱</sup> Composite reliability



۰,۹۰۲	۰,۸۷۸	۰,۸۷۶	دانش مالیاتی
-------	-------	-------	--------------

## آزمون سنجش روایی

به منظور بررسی مدل‌های اندازه‌گیری از دو جنبه روایی همگرا و روایی واگرا در ادامه پرداخته می‌شود. در ادامه نتایج آزمون‌های AVE، بار عاملی، بارهای عاملی متقاطع، روش فورنل و لارکر و شاخص HTMT تحلیل شده است.

## روایی همگرا

### میانگین واریانس استخراج شده (AVE)

روایی همگرا که به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سؤالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) را برای سنجش روایی همگرا معرفی کرده و اظهار داشتند که مقدار عدد بحرانی ۰,۵ می‌باشد. در جدول زیر مقدار این ضریب برای هر یک از سازه‌ها ارائه شده است. از آنجاکه مقدار AVE برای همه متغیرها بالاتر از ۰,۵ می‌باشد؛ بنابراین روایی همگرا مدل اندازه‌گیری در این آزمون مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول (۵): مقادیر میانگین استخراج شده (AVE)

متغیر	میانگین واریانس استخراج شده (AVE) ( $>0,5$ )
اخلاق مالیاتی	۰,۶۸۳
تمکین مالیاتی	۰,۶۴۳
حسابداری ذهنی	۰,۵۰۰
دانش مالیاتی	۰,۵۰۹

## بارهای عاملی

نتایج بررسی بار عاملی سؤالات در متغیر مربوط به آن، به صورت جدول ۴-۶ به دست آمده است. با وجود اینکه مقدار قابل قبول بارهای عاملی حداقل ۰/۷ می‌باشد، اما مشاهده می‌شود برخی از مقادیر کمتر از این مقدار به دست آمده است؛ لذا با توجه به جدول ۶ مقدار آماره  $t$  برای همه سؤالات بالاتر از ۱/۹۶ و شاخص  $p$  کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین تمامی مقادیر بارهای عاملی در حوزه معنادار قرار دارد.

جدول (۶): آزمون بارهای عاملی

دانش مالیاتی	اخلاق مالیاتی	حسابداری ذهنی	تمکین مالیاتی	
۰,۵۱۰				Q1
۰,۷۱۶				Q2
۰,۷۶۵				Q3
۰,۷۲۵				Q4
۰,۷۸۵				Q5
۰,۷۲۸				Q6
۰,۷۸۷				Q7
۰,۶۷۷				Q8
۰,۶۸۶				Q9
	۰,۹۰۵			Q10

		۰,۵۷۶		Q11
		۰,۹۴۸		Q12
	۰,۷۷۲			Q13
	۰,۸۱۳			Q14
	۰,۷۶۱			Q15
	۰,۶۵۵			Q16
	۰,۶۱۶			Q17
	۰,۷۱۵			Q18
	۰,۶۸۰			Q19
	۰,۶۰۵			Q20
	۰,۷۰۲			Q21
	۰,۷۵۴			Q22
	۰,۶۹۰			Q23
	۰,۶۴۹			Q24
	۰,۶۸۲			Q25
	۰,۷۵۹			Q26
	۰,۷۲۴			Q27
۰,۷۸۳				Q28
۰,۸۰۳				Q29
۰,۷۷۸				Q30
۰,۷۶۱				Q31
۰,۸۳۶				Q32
۰,۸۴۶				Q33

### روایی واگرا

روایی واگرا از سه طریق بارهای عاملی متقاطع، فورنل و لارکر و شاخص HTMT سنجیده می‌شود. در ادامه به بررسی هر یک از این شاخص‌ها پرداخته شده است.

### بار عاملی متقاطع

چنانچه در جدول زیر مشاهده می‌شود، مقدار بارعاملی هر سوال در متغیر خودش بیشتر از سایر متغیرها می‌باشد، بنابراین آزمون بارتقاعی مورد تأیید است.

جدول (۷): روش بارهای عاملی متقاطع

دانش مالیاتی	حسابداری ذهنی	تمکین مالیاتی	اخلاق مالیاتی	
۰,۵۱۰	۰,۴۴۹	۰,۲۸۸	۰,۱۷۳	Q1
۰,۷۱۶	۰,۴۲۲	۰,۳۹۰	۰,۲۱۱	Q2
۰,۷۶۵	۰,۴۵۶	۰,۳۶۴	۰,۱۹۶	Q3
۰,۷۲۵	۰,۴۶۳	۰,۳۵۳	۰,۲۲۲	Q4
۰,۷۸۵	۰,۳۵۶	۰,۳۵۱	۰,۱۴۶	Q5
۰,۷۲۸	۰,۲۷۴	۰,۳۹۱	۰,۱۴۶	Q6

۰,۷۸۷	۰,۴۲۲	۰,۴۴۴	۰,۲۴۱	Q7
۰,۶۷۷	۰,۴۰۲	۰,۳۸۷	۰,۲۵۶	Q8
۰,۶۸۶	۰,۳۸۸	۰,۳۴۳	۰,۱۴۴	Q9
۰,۱۳۱	۰,۳۸۵	۰,۳۲۵	۰,۹۰۵	Q10
۰,۱۸۵	۰,۲۰۳	۰,۱۷۷	۰,۵۷۶	Q11
۰,۳۳۴	۰,۴۸۱	۰,۴۵۵	۰,۹۴۸	Q12
۰,۴۱۲	۰,۷۷۲	۰,۴۸۲	۰,۳۳۹	Q13
۰,۴۷۷	۰,۸۱۳	۰,۴۶۵	۰,۳۶۵	Q14
۰,۴۴۶	۰,۷۶۱	۰,۵۰۷	۰,۳۵۸	Q15
۰,۳۹۰	۰,۶۵۵	۰,۴۶۵	۰,۳۹۰	Q16
۰,۳۱۱	۰,۶۱۶	۰,۴۲۹	۰,۲۲۶	Q17
۰,۳۶۴	۰,۷۱۵	۰,۴۲۵	۰,۲۹۸	Q18
۰,۴۰۰	۰,۶۸۰	۰,۵۵۴	۰,۳۰۵	Q19
۰,۴۰۷	۰,۶۰۲	۰,۳۷۵	۰,۳۲۰	Q20
۰,۴۱۶	۰,۷۰۲	۰,۳۹۶	۰,۳۳۶	Q21
۰,۴۹۰	۰,۷۵۴	۰,۵۸۲	۰,۲۹۵	Q22
۰,۳۶۲	۰,۶۹۰	۰,۵۵۷	۰,۳۶۰	Q23
۰,۳۱۰	۰,۶۴۹	۰,۳۷۰	۰,۳۴۵	Q24
۰,۳۸۳	۰,۶۸۲	۰,۳۴۲	۰,۲۷۴	Q25
۰,۴۸۰	۰,۷۵۹	۰,۴۳۴	۰,۳۴۹	Q26
۰,۴۲۳	۰,۷۲۴	۰,۴۰۶	۰,۳۰۹	Q27
۰,۴۱۱	۰,۵۰۰	۰,۷۸۳	۰,۳۵۲	Q28
۰,۴۵۹	۰,۴۹۹	۰,۸۰۳	۰,۳۶۸	Q29
۰,۴۵۵	۰,۵۲۸	۰,۷۷۸	۰,۴۱۹	Q30
۰,۳۲۸	۰,۵۳۶	۰,۷۶۱	۰,۲۳۶	Q31
۰,۴۲۴	۰,۵۲۲	۰,۸۲۶	۰,۳۳۸	Q32
۰,۴۱۱	۰,۵۳۲	۰,۸۴۶	۰,۲۷۳	Q33

### روش فورنل و لارکر

در جدول ۸ مقادیر ماتریس فورنل و لارکر مشخص شده است و چون در همه موارد مجذور واریانس استخراجی داده ها (قطر اصلی ماتریس) از اعداد پایین خود بیشتر است؛ روایی و اگرایی مدل تأیید می شود.

### جدول (۸): روایی و اگرایی بر اساس معیار فورنل و لارکر

	اخلاق مالیاتی	تمکین مالیاتی	حسابداری ذهنی	ذهنی*دانش مالیاتی	حسابداری	دانش مالیاتی
اخلاق مالیاتی	۰,۸۲۶					
تمکین مالیاتی	۰,۴۱۶	۰,۸۰۲				
حسابداری ذهنی	۰,۴۵۹	۰,۶۴۸	۰,۷۰۷			
حسابداری ذهنی*دانش مالیاتی	-۰,۱۳۳	-۰,۲۸۳	۰,۴۶۴	۱,۰۰۰		
دانش مالیاتی	۰,۲۷۵	۰,۵۱۹	۰,۵۷۷	-۰,۳۸۴	۰,۷۱۶	

مقدار جذر واریانس استخراجی داده‌ها (AVE) متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است. از این رو می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، سازه‌ها (متغیرهای مکنون) در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر و این به آن معنی است که روایی واگرایی مدل در حد مناسبی است.

### شاخص HTMT

هنسلر و همکاران (۲۰۱۵) شاخص جدیدی به نام Heterotrait-Monotrait Ratio یا HTMT برای ارزیابی روایی واگرا ارائه کرده‌اند. این شاخص با عنوان نسبت خصیصه تک‌ارزشی به خصیصه چند ارزشی ترجمه شده است. شاخص HTMT جایگزین روش فورنل - لارکر شده است. حد مجاز معیار HTMT میزان ۰,۸۵ تا ۰,۹ می‌باشد. اگر مقادیر این معیار کمتر از ۰,۹ باشد روایی واگرا قابل قبول است.

جدول (۹): روایی واگرا بر اساس شاخص HTMT

حسابداری ذهنی*دانش مالیاتی	حسابداری ذهنی	تمکین مالیاتی	اخلاق مالیاتی
			اخلاق مالیاتی
		۰,۴۶۸	تمکین مالیاتی
	۰,۷۰۶	۰,۵۱۵	حسابداری ذهنی
	۰,۴۸۰	۰,۳۰۰	حسابداری ذهنی*دانش مالیاتی
۰,۴۰۸	۰,۶۳۳	۰,۵۸۶	دانش مالیاتی

### آزمون مدل درونی (مدل ساختاری) آزمون اثرات مستقیم

در قالب مدل درونی فرضیات مورد بررسی قرار گرفتند و مسیر مدل ساختاری ارزیابی شد. هر مسیر متناظر با یکی از فرضیات مدل است. آزمون هر فرضیه از طریق بررسی علامت، اندازه و معناداری آماری ضریب مسیر (بتا) بین هر متغیر مکنون با متغیر وابسته است. هراندازه این ضریب مسیر بالاتر باشد تأثیر پیش‌بینی‌کننده متغیر مکنون نسبت به متغیر وابسته بیشتر خواهد بود. با در نظر گرفتن نتایج بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته با استفاده از ضریب مربوط می‌توان به بررسی معنی‌داری اثرات بین متغیرهای پژوهش پرداخت. به منظور بررسی معنی‌داری ضریب مسیر یا همان بتا باید معناداری مقدار t-value برای هر ضریب مسیر مورد توجه قرار گیرد، از همین رو از روش بوت استرپینگ<sup>۱</sup> استفاده شد.

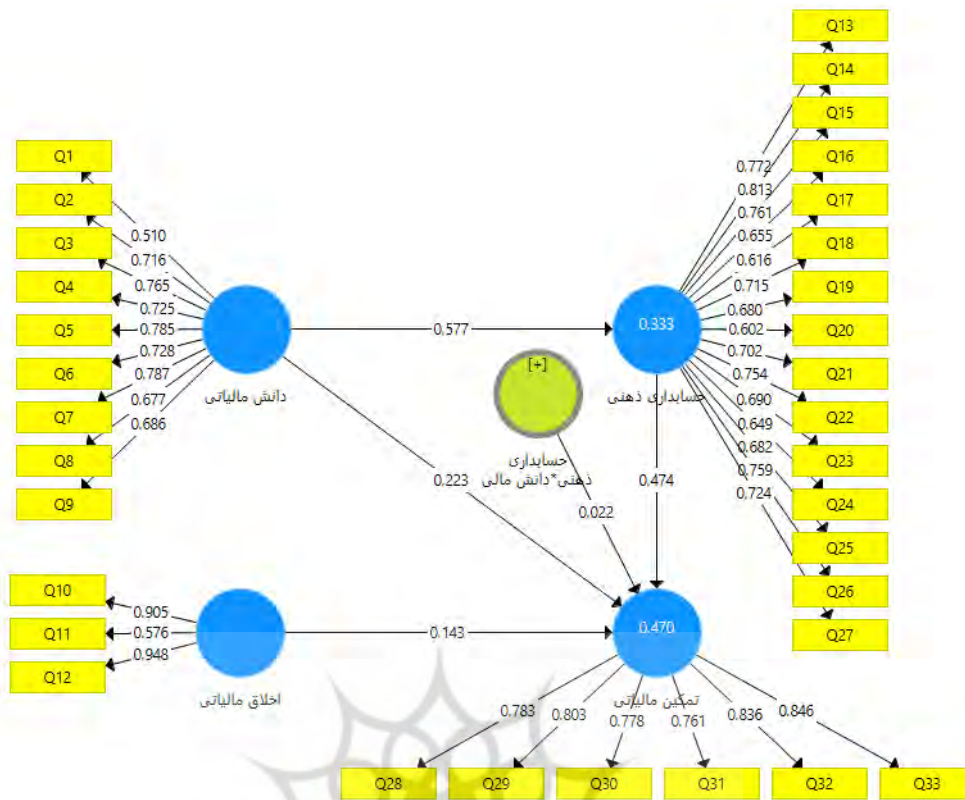
جدول (۱۰): اثرات مستقیم نقش متغیرهای پژوهش در مدل اصلی

مسیر	ضریب مسیر	خطای استاندارد	آماره t	مقادیر P
اخلاق مالیاتی ← تمکین مالیاتی	۰,۱۴۳	۰,۰۶۹	۲,۰۵۹	۰,۰۴۰
حسابداری ذهنی ← تمکین مالیاتی	۰,۴۷۴	۰,۰۷۱	۶,۷۰۸	۰,۰۰۰
حسابداری ذهنی*دانش مالیاتی ← تمکین مالیاتی	۰,۰۲۲	۰,۰۳۸	۰,۵۷۱	۰,۵۶۸
دانش مالیاتی ← تمکین مالیاتی	۰,۲۲۳	۰,۰۶۰	۳,۷۴۰	۰,۰۰۰
دانش مالیاتی ← حسابداری ذهنی	۰,۵۷۷	۰,۰۴۹	۱۱,۷۵۰	۰,۰۰۰

<sup>۱</sup> Bootstrapping



شکل (۲): مدل اصلی در حالت ضرایب مسیر



اعداد نوشته شده بر روی خطوط در واقع ضرایب بتا حاصل از معادله رگرسیون میان متغیرها است که همان ضریب مسیر است. اعداد داخل هر دایره نشان دهنده مقدار ضریب تعیین  $R^2$  مدل است که متغیرهای پیش بین آن از طریق فلش به آن دایره وارد شده اند. ضریب تعیین برای متغیر تمکین مالیاتی مقدار ۰/۴۷۰ برآورد شده و نشان می دهد که متغیرهای دانش مالیاتی، اخلاق مالیاتی و حسابداری ذهنی، روی هم رفته توانسته اند ۴۷٪ از تغییرات رفتار تمکین مالیاتی را توضیح دهند. باتوجه به مقدار ضریب استاندارد و آماره  $t$  می توان گفت متغیرهای دانش مالیاتی، اخلاق مالیاتی و حسابداری ذهنی تأثیر معناداری داشته اند. همچنین، متغیر دانش مالیاتی ۳۳٪ از تغییرات متغیر حسابداری ذهنی را تبیین می کند.

### ارزیابی برازش و کیفیت مدل

به منظور بررسی قدرت پیش بینی متغیرهای وابسته در مدل از آزمون های  $R^2$ ،  $F^2$  و  $Q^2$  استفاده شده است. برای سنجش برازش کلی مدل از بین شاخص ها، شاخص های نیکویی برازش (GOF) بررسی شده است.

### ضریب تعیین $R^2$

ضریب تعیین  $R^2$  معیاری است که بیانگر میزان تغییرات هر یک از متغیرهای وابسته مدل است که به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می شود. مقدار  $R^2$  تنها برای متغیرهای درون زای مدل ارائه می شود و در مورد سازه های برون زای مقدار آن برابر صفر است. هرچه مقدار  $R^2$  مربوط به سازه های درون زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. سه مقدار ۰،۱۹، ۰،۳۳ و ۰،۶۷ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای ضریب تعیین معرفی شده است.

جدول (۱۱): ضریب تعیین R<sup>2</sup>

R <sup>2</sup>	سازه
۰,۴۷۰	تمکین مالیاتی
۰,۳۳۳	حسابداری ذهنی

همان طور که در جدول ۱۱ مشاهده می شود متغیرهای تمکین مالیاتی و حسابداری ذهنی به ترتیب با مقادیر ضریب تعیین ۰,۴۷۰ و ۰,۳۳۳ تبیین پذیری متوسطی را دارا می باشند.

### شاخص اندازه تأثیر (F<sup>۲</sup>)

شاخص اندازه اثر دیگر شاخص برازش مدل است و برای متغیرهای مستقل برونزا مصداق دارد. شاخص F<sup>۲</sup> برای یک متغیر مستقل، میزان تغییرات در برآورد متغیر وابسته را زمانی که اثر آن متغیر حذف شود را نشان می دهد. به عبارتی دیگر مقدار F<sup>۲</sup> سهم متغیر مستقل در ضریب تعیین یک سازه درونزا را نشان می دهد. در مقادیر کمتر ۰/۰۲ سهم مستقل در وابسته کم، مقادیر بین ۰/۰۲ تا ۰/۱۵ ضعیف، مقادیر بین ۰/۱۵ تا ۰/۲۵ قابل قبول و مقادیر بالاتر از ۰/۲۵ سهم مستقل در وابسته قوی ارزیابی می شود. چنانچه در جدول ۱۲ مشاهده می شود. اندازه تأثیر مسیرهای حسابداری ذهنی بر تمکین مالیاتی و همچنین دانش مالیاتی بر حسابداری ذهنی قوی و بقیه مسیرها متوسط و ضعیف می باشد.

جدول (۱۲): اندازه اثر f<sup>2</sup>

	تمکین مالیاتی	حسابداری ذهنی
اخلاق مالیاتی	۰,۰۳۰	
حسابداری ذهنی	۰,۲۱۴	
حسابداری ذهنی*دانش مالیاتی	۰,۰۰۲	
دانش مالیاتی	۰,۰۶۱	۰,۴۹۹

### معیار Q<sup>2</sup>

شاخص Q<sup>2</sup> توسط استون و گیسر (۱۹۷۵) معرفی شده است و قدرت پیش بینی مدل در متغیرهای وابسته را مشخص می کند. این شاخص به دنبال سنجش قابلیت پیش بینی مدل PLS است و در آزمون blindfolding نرم افزار اسمارت پی ال اس به صورت جدولی و با نماد Q<sup>2</sup> ارائه می شود. مقادیر منفی قابل قبول نیست و باید مقادیر مثبت باشند. شاخص Q<sup>2</sup> مثبت و بزرگ، نشان از قابلیت بالای پیش بینی مدل دارد و مقادیر Q<sup>2</sup> منفی بیانگر تخمین بسیار ضعیف متغیر پنهان است.

جدول (۱۳): کیفیت پیش بینی کنندگی (Q<sup>2</sup>)

Q <sup>2</sup>	سازه
۰,۲۷۹	تمکین مالیاتی
۰,۱۵۱	حسابداری ذهنی

همان گونه که از جدول ۱۳ مشخص است قدرت پیش بینی متغیرهای مکنون درونزا تمکین مالیاتی و حسابداری ذهنی در سطح قابل قبول می باشد که بیانگر برازش مناسب برای مدل ساختاری می باشند.

## شاخص‌های برازش کلی مدل

مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. برای بررسی برازش مدل کلی از معیار نیکوئی برازش<sup>۱</sup> (GOF) که طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود استفاده شد.

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities. } R^2}$$

Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه می‌باشد و  $R^2$  نیز مقدار میانگین مقادیر  $R^2$  سازه‌های درون-زای مدل است.

جدول (۱۴): مقادیر لازم برای ارزیابی معیار GOF

مقادیر اشتراکی	معیار $R^2$	متغیرهای درون‌زا
۰,۶۸۳	-	اخلاق مالیاتی
۰,۶۴۳	۰,۲۷۹	تمکین مالیاتی
۰,۵۰۰	۰,۱۵۱	حسابداری ذهنی
۰,۵۰۹	-	دانش مالیاتی
۰,۵۸۳	۰,۲۱۵	میانگین
$GOF = \sqrt{\text{Communalities. } R^2} = ۰,۳۵۴$		

وتلس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی کرده‌اند و اطلاعات جدول ۱۴ نشان می‌دهد که GOF محاسبه شده برای پژوهش ۰,۳۵۴ است که برازش قوی مدل پژوهش را مشخص می‌کند.

باتوجه به آزمون‌های انجام شده و نتایج ارائه شده، خلاصه بررسی فرضیات تحقیق به‌صورت جدول زیر به‌دست آمده است:

جدول (۱۵): خلاصه بررسی فرضیات تحقیق

نتیجه	مقادیر P	آماره t	خطای استاندارد	ضریب مسیر	فرضیات
تأیید	۰,۰۴۰	۲,۰۵۹	۰,۰۶۹	۰,۱۴۳	اخلاق مالیاتی ← تمکین مالیاتی
تأیید	۰,۰۰۰	۶,۷۰۸	۰,۰۷۱	۰,۴۷۴	حسابداری ذهنی ← تمکین مالیاتی
رد	۰,۵۶۸	۰,۵۷۱	۰,۰۳۸	۰,۰۲۲	حسابداری ذهنی ← دانش مالیاتی
تأیید	۰,۰۰۰	۳,۷۴۰	۰,۰۶۰	۰,۲۲۳	دانش مالیاتی ← تمکین مالیاتی
تأیید	۰,۰۰۰	۱۱,۷۵۰	۰,۰۴۹	۰,۵۷۷	دانش مالیاتی ← حسابداری ذهنی

## آزمون فرضیه‌های پژوهش

پس از بررسی و تأیید مدل اصلی، فرضیه‌های مدل پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و اگر مقدار قدرمطلق آماره t کوچک‌تر از مقدار ۱/۹۶ باشد فرض صفر نتیجه گرفته می‌شود و در صورتی که مقدار قدرمطلق آماره t بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ باشد فرض صفر رد می‌شود. در این بخش فرضیات اصلی و تعدیلگر مربوط به هر سؤال آزمون می‌شوند.

**فرضیه ۱:** خویش فرمایان زن و مرد در استفاده از حسابداری ذهنی با یکدیگر متفاوت اند.

<sup>۱</sup> Goodness of Fit

<sup>۲</sup> Wetzels et al.



H0: بین خویش فرمایان زن و مرد در استفاده از حسابداری ذهنی تفاوت معناداری وجود ندارد.  
H1: بین خویش فرمایان زن و مرد در استفاده از حسابداری ذهنی تفاوت معناداری وجود دارد.

Group Statistics					
	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار استاندارد
حسابداری ذهنی	مرد	۲۱۹	۵,۴۸۰۱	۱,۰۷۵۷۴	۰,۰۷۲۶۹
	زن	۱۶۳	۵,۶۵۹۳	۰,۹۳۸۳۲	۰,۰۷۳۴۹

Independent Samples Test											
		Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						95% Confidence Interval of the Difference	
		F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	Lower	Upper	
حسابداری ذهنی	Equal variances assumed	۲,۷۵۰	۰,۰۹۸	-۱,۷۰۰	۳۸۰	۰,۰۹۰	-۰,۱۷۹۲۴	۰,۱۰۵۴۶	-۰,۳۸۶۵۹	۰,۰۲۸۱۱	
	Equal variances not assumed			-۱,۷۳۴	۳۷۰,۵۰۳	۰,۰۸۴	-۰,۱۷۹۲۴	۰,۱۰۲۳۷	-۰,۳۸۲۵۱	۰,۰۲۴۰۲	

با توجه به نتایج آزمون لوین، عدد Sig از ۰,۰۵ بیشتر می باشد بنابراین یعنی واریانس دو متغیر یکسان است. همچنین مقدار Sig. (2-tailed) بیشتر از ۰,۰۵ است، لذا در استفاده از حسابداری ذهنی تفاوتی بین گروه زن و مرد خویش فرما وجود ندارد.

**فرضیه ۲:** دانش مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

H0: دانش مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری ندارد.

H1: دانش مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

باتوجه به جدول شماره ۴-۱۵ مقدار قدرمطلق آماره t برابر ۳,۷۴۰ و بزرگتر از مقدار ۱/۹۶ است و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد، پس فرض صفر رد می شود؛ یعنی در سطح اطمینان ۹۵٪ دانش مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد و مقدار تأثیر برابر ۰/۰,۲۲۳ و مثبت (مستقیم) است. یعنی با افزایش سطح دانش مالیاتی، میزان تمکین مالیاتی مودیان حقیقی نیز افزایش می یابد.

**فرضیه ۳:** حسابداری ذهنی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

H0: حسابداری ذهنی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری ندارد.

H1: حسابداری ذهنی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

باتوجه به جدول شماره ۴-۱۵ مقدار قدرمطلق آماره t برابر ۶,۷۰۸ و بزرگتر از مقدار ۱/۹۶ است و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد، پس فرض صفر رد می شود؛ یعنی در سطح اطمینان ۹۵٪ حسابداری ذهنی بر تمکین مالیاتی مودیان

حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد و مقدار تأثیر برابر  $0,474$  و مثبت (مستقیم) است. یعنی با افزایش سطح حسابداری ذهنی، میزان تمکین مالیاتی نیز افزایش می‌یابد.

**فرضیه ۴:** اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

$H_0$ : اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری ندارد.

$H_1$ : اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

باتوجه به جدول شماره ۴-۱۵ مقدار قدرمطلق آماره  $t$  برابر  $2,059$  و بزرگ‌تر از مقدار  $1/96$  است و سطح معناداری کمتر از  $0/05$  است، پس فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی در سطح اطمینان  $95\%$  اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد و مقدار تأثیر برابر  $0,143$  و مثبت (مستقیم) است. یعنی با افزایش سطح اخلاق مالیاتی، میزان تمکین مالیاتی نیز افزایش می‌یابد.

**فرضیه ۵:** دانش مالیاتی بر حسابداری ذهنی مودیان حقیقی تأثیر مثبت معناداری دارد.

$H_0$ : دانش مالیاتی بر حسابداری ذهنی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری ندارد.

$H_1$ : دانش مالیاتی بر حسابداری ذهنی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

باتوجه به جدول شماره ۴-۱۵ مقدار قدرمطلق آماره  $t$  برابر  $11,750$  بزرگ‌تر از مقدار  $1/96$  است و سطح معناداری کمتر از  $0/05$  می‌باشد، پس فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی در سطح اطمینان  $95\%$  دانش مالیاتی بر حسابداری ذهنی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد و مقدار تأثیر برابر  $0,577$  و مثبت (مستقیم) است. یعنی با افزایش سطح دانش مالیاتی، میزان حسابداری ذهنی نیز افزایش می‌یابد.

**فرضیه ۶:** حسابداری ذهنی بر رابطه بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

$H_0$ : حسابداری ذهنی بر رابطه بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری ندارد.

$H_1$ : حسابداری ذهنی بر رابطه بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر معناداری دارد.

باتوجه به جدول شماره ۴-۱۵ مقدار قدرمطلق آماره  $t$  برابر  $0,571$  کوچک‌تر از مقدار  $1/96$  است و سطح معناداری بیشتر از  $0/05$  می‌باشد، پس فرض صفر تأیید می‌شود. به عبارت دیگر حسابداری ذهنی بر رابطه بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأیید و معناداری ندارد.

## نتیجه گیری و پیشنهادها

**فرضیه ۱:** خویش‌فرمایان زن و مرد در استفاده از حسابداری ذهنی با یکدیگر متفاوت‌اند.

باتوجه به آزمون لوین نتایج این فرضیه نشان داد که در استفاده از حسابداری ذهنی تفاوتی بین گروه زن مرد خویش‌فرما وجود ندارد و جنسیت افراد نمی‌تواند عاملی مؤثر در به‌کارگیری حسابداری ذهنی باشد. خویش‌فرمایان چه زن و چه مرد هم از نظر تحقیقاتی و هم از نظر نظام مالیاتی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. این افراد به دلیل اینکه فعالیت‌های مالی و کسب‌وکارشان را خودشان اداره می‌کنند و درآمد و هزینه‌های خود را سازمان‌دهی و اظهارنامه‌های مالیاتی خود را برای سازمان امور مالیاتی تهیه می‌نمایند. لذا باید از حسابداری ذهنی برای فعالیت‌های مالی خود و مدیریت پولشان استفاده نمایند. نتیجه این فرضیه با نتایج مطالعات اولسن و همکاران (۲۰۱۹)، موهلپاچر و همکاران (۲۰۱۷)، موهلپاچر و کریچلر (۲۰۱۳) هم جهت نمی‌باشد.

**فرضیه ۲:** دانش مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

نتیجه این فرضیه نشان داد در سطح اطمینان  $95\%$  دانش مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد. یعنی هرچه دانش مالیاتی مودیان افزایش یابد، تمکین مالیاتی مودیان حقیقی نیز افزایش خواهد یافت. در واقع

دانش مالیاتی یعنی آگاه بودن از قوانین، مقررات و بخش‌نامه‌های سازمان امور مالیاتی و تکالیف قانونی کشور است، در این صورت مودیان می‌توانند با داشتن آگاهی‌های لازم از دانش مالیاتی از فساد و تضییع حقوق خود جلوگیری نمایند. همچنین، درک نمودن سیاست‌های مالیاتی توسط مودیان منجر به پذیرش سیستم مالیاتی و افزایش میزان انطباق آن‌ها خواهد شد؛ لذا، دانش مالیاتی یکی از تأثیرگذارترین عوامل تعیین‌کننده رفتار انطباقی مالیات‌دهندگان است. به بیانی دیگر، دانش مالیاتی یکی از عواملی است که بر تمکین مالیاتی مودیان تأثیر می‌گذارد و باعث افزایش تمکین مالیاتی آنان می‌گردد؛ بنابراین، باتوجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان این گونه بیان نمود که به‌طور کلی دانش مالیاتی بر تمکین مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. لذا، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. در نتیجه زمانی که مودیان دارای دانش مالیاتی هستند و از قوانین مالیاتی آگاهی دارند به مراتب تمکین مالیاتی آن‌ها بیشتر خواهد شد. نتیجه به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج مطالعات عرب‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، محسنی ملکی (۱۴۰۰)، کاسا و همکاران (۲۰۲۱) و دیانتی و هدایت (۲۰۲۱) هم جهت می‌باشد.

**فرضیه ۳:** حسابداری ذهنی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

در سطح اطمینان ۹۵٪ نتیجه این فرضیه نشان داد که حسابداری ذهنی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر معناداری و مثبتی دارد. یعنی هرچه قدر حسابداری ذهنی مودیان افزایش یابد، تمکین مالیاتی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. به عبارتی دیگر، حسابداری ذهنی نقش بسیار مهمی دارد. حسابداری ذهنی یعنی چگونگی تفسیر افراد از اطلاعات برای گرفتن تصمیم بر طبق تجزیه و تحلیل آن‌ها از تأثیر حوادث رخ داده در ذهن خود می‌باشد؛ بنابراین، در مطالعات جدید، توجه خاصی به رابطه بین حسابداری ذهنی و درک تصمیمات مالیاتی در افراد شده است. زیرا مودیانی که از حسابداری ذهنی بهتری برخوردارند، تمایل به پرداخت مالیات در آن‌ها بیشتر است. نتیجه این فرضیه با نتایج مطالعات ابراهیمی و نجفی (۱۳۹۹)، موهلباگر و همکاران (۲۰۱۷) و آدامز و بلی (۲۰۰۱) هم جهت است.

**فرضیه ۴:** اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

در سطح اطمینان ۹۵٪، اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر معناداری داشته و مقدار این تأثیر به‌صورت مثبت (مستقیم) بوده است. در واقع اخلاق مالیاتی بیان‌کننده این است که در نظر افراد فرار مالیاتی تا چه اندازه بد است؛ یعنی هر چه فرد اخلاق مالیاتی بالاتری داشته باشد، تمایل بیشتری به پرداخت خود دارد و همچنین اخلاق مالیاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده تمکین مالیاتی معرفی شده است. در نتیجه هر چه قدر اخلاق مالیاتی مودیان بیشتر باشد موجب کاهش فرار مالیاتی و افزایش تمکین مالیاتی در آن‌ها خواهد شد. نتیجه به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتیجه مطالعه صامتی و همکاران (۱۳۹۴) هم جهت است. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و هرچه میزان اعتماد افراد به دولت و سیستم مالیاتی، حقوقی و قضایی بیشتر باشد اخلاق مالیاتی آن‌ها و احتمال تمکین مالیاتی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد و موجب کاهش فرار مالیاتی آن‌ها خواهد شد.

**فرضیه ۵:** دانش مالیاتی بر حسابداری ذهنی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

باتوجه به نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪ دانش مالیاتی بر حسابداری ذهنی مودیان حقیقی تأثیر مثبت و معناداری دارد. یعنی با افزایش سطح دانش مالیاتی مودیان، میزان حسابداری ذهنی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. دانش مالیاتی یک عامل کمک‌کننده مهم است؛ زیرا به مودیان کمک می‌کند تا قوانین و مقررات مالیاتی را رعایت نمایند و همچنین درک نمودن الزامات مالیاتی بر اساس ماهیت تجارت می‌تواند بر حسابداری ذهنی افراد تأثیر داشته باشد؛ لذا، مالیات‌دهندگان به دانش تخصصی مالیاتی نیاز دارند تا تعهدات مالیاتی خود را درک نمایند تا به شیوه‌های سازگار با مالیات عمل نمایند. از طرفی، میزان پیگیری استراتژی‌های حسابداری ذهنی از فردی به فرد دیگر متفاوت است؛ زیرا در

حسابداری ذهنی، یک فرد باید از خرج کردن بیش از حد برای چیزهایی که دوست دارد اجتناب نماید تا برای پرداخت‌هایی با جذابیت کمتر اما ضروری، پول کافی پس‌انداز نماید و مودیان با دانش بیشتری، احتمال بیشتری دارد که از یک حساب ذهنی جداگانه برای پرداخت‌های آتی مالیات استفاده نمایند و دانش مالیاتی‌شان به آن‌ها کمک می‌نماید تا در ذهن خود مالیات‌های قابل پرداخت را از درآمد جدا نمایند؛ بنابراین، باتوجه به آنچه که بیان گردید هر چه مودیان از دانش مالیاتی بالاتری برخوردار باشند. به همان اندازه حسابداری ذهنی آن‌ها نیز بیشتر خواهد شد. نتایج این مطالعه با نتایج مطالعات ازگار و اسکان (۲۰۲۰) و موهلباچر و همکاران (۲۰۱۷) هم جهت است.

**فرضیه ۶:** حسابداری ذهنی بر رابطه بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر معناداری دارد.

در سطح اطمینان ۹۵٪ نتیجه این فرضیه نشان داد حسابداری ذهنی بر رابطه بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی مودیان حقیقی تأثیر معناداری ندارد. به همین دلیل فرضیه (۶) پذیرفته نمی‌شود. پس باتوجه به نتیجه این فرضیه می‌توان این طور نتیجه گرفت که در تعدیل رابطه دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی عوامل دیگری به جزء حسابداری ذهنی احتمالاً تأثیرگذار است که این موضوع مستلزم انجام پژوهش‌های گسترده‌تر و بیشتری می‌باشد؛ بنابراین در بررسی فرضیه (۶) پژوهش می‌توان این طور نتیجه‌گیری نمود که حسابداری ذهنی در رابطه بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی نمی‌تواند نقش تعدیل کننده داشته باشد.

بنابراین با توجه به نتایج فرضیه‌ها پیشنهاد می‌شود. از طریق برنامه‌ریزی مالیاتی مناسب که از طریق ارتقای سطح اطلاعات و دانش مالیاتی امکان پذیر است، از مشوق‌ها و تخفیفات مالیاتی استفاده نموده و بتوانند از تحمیل جرایم و مجازات‌های احتمالی که در نتیجه عدم آگاهی یا ناآگاهی از قوانین مالیاتی است، ممانعت به عمل آورند. و همچنین، سازمان امور مالیاتی اطلاعات مالیاتی را با شفافیت بیشتری در اختیار مودیان مالیاتی قرار دهد، چرا که شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی مستمر و مکرر قوانین باعث افزایش آگاهی و اشرافیت بیشتر نسبت به فرصت‌ها و تهدیدات مالیاتی و در نتیجه افزایش تمکین مالیاتی مودیان خواهد شد.

## منابع

- ✓ احتشامی، صادق، الفتی، سمیرا، (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی مالیات بر ارزش افزوده در ایران با سایر کشورها، پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، برلین، آلمان.
- ✓ باقری، بهروز، باباجانی، جعفر، برزیده، فرخ، (۱۳۹۶)، شناسایی عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی در ایران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۹، شماره ۱، صص ۲۸۴-۳۱۱.
- ✓ حقیقی فشی، شیرین، بنی مهد، بهمن، اوحدی، فرید، همتی، بهرام، (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر ابعاد هنجارهای اجتماعی و شخصی بر تمکین مالیاتی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابداری مدیریت دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۳۹-۲۱.
- ✓ عرب مازار، علی‌اکبر، گل محمدی، مریم، باقری، بهروز، (۱۳۹۰)، سطح تمکین مالیاتی، مهم‌ترین شاخص دستیابی به یک نظام مالیاتی مطلوب و کارآمد. پژوهش‌نامه مالیات، دوره ۱۹، شماره ۱۲، صص ۲۷-۷۰.
- ✓ منظور، داوود، (۱۴۰۱)، تحلیل رفتار تمکین مالیاتی در ایران: رویکرد نظریه بازی‌ها. پژوهش‌نامه مالیات، دوره ۳۰، شماره ۱۰۳، صص ۱۲۷-۱۵۰.
- ✓ میلانی، مهنوش، اکبرپور، نرگس، (۱۳۹۱)، فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی در ایران، فصلنامه علمی سازمان امور مالیاتی در ایران، دوره ۲۰، شماره ۱۳، صص ۱۴۱-۱۶۸.

- ✓ محمدی، محمدحسن، رضازاده، جواد، بشکوه، مهدی، (۱۴۰۲)، شناسایی عوامل روان‌شناختی اجتماعی مؤثر بر رفتار عدم تمکین مالیاتی مودیان، فصلنامه دانش حسابداری مالی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۹۷-۱۳۳.
- ✓ Alkhatib, A. A., & Abdul-jabbar, H. (2017). An economic frame work for tax evasion in plaestine, American- Eurasian. journal of scientific research, 12(6), 300-304.
- ✓ Bilgin, C. (2014). Determinants of tax morle in spain and turkey: An Cmpirical Eduvest , Journal of Universal Studies 1(9).
- ✓ Feria, Ritadela .(2017). Tax Fravd and Rule of low. University of leeds. Analysis. European, journal of Government and economic, 3(1), 60-74.
- ✓ Fennema, B., & Koonce, L. (2010). Mental accounting in financial reporting and voluntary dis closure, avilable ot SSRN: <https://ssrn.com/abstract/1717078>.
- ✓ Feldman, N.E. (2010). Mental accounting effects of incom tax shiting, Revicew of Econimicond statistics, (92), 70-860.
- ✓ Gourville, J.T., & Soman, D. (1998). Payment depreciation: The behavioral effects of temporally separating payments from consumption. Journal of Consumer Research, 25(2), 160-174.
- ✓ Kirchler, E., Hoelzi, E., & wahl, I. (2008). Enfarced versus voluntary tax compliance: the slippery slope framework. journal of economic psychology, 29(2), 210-225.
- ✓ Murphy, K. (2008), "Enforcing tax compliance: To punish or persuade"? Economic Analysis and Policy, (38), 113-135.
- ✓ Muehlbacher, S., Hartl, B., & Kirchler, E. (2017). Mental accounting and compliance: experimental evidence for the wffet of mental segation of tax due and revenue on compliance. Public finance review, 45(1), 118-139.
- ✓ McConnell, V., & Walls, M. A. (2005). The value of open space: Evidence from studies of nonmarket benefits (pp. 1-78). Washington, DC: Resources for the Future.
- ✓ Muehlbacher, S., Hartl, B., & Kirchler, E. (2017). Mental accounting and tax compliance: Experimental evidence for the effect of mental segregation of tax due and revenue on compliance. Public Finance Review, 45(1), 118-139.
- ✓ Slemord, J. (2007). Chaating ourselues the economics of tax evasion. journal of economic perspectives, 21(1), 25-48.
- ✓ Sandmo, A. (2004). The Theory of tax Evasioni a retrospective view Discussion paper 31/04 published by norwegian school of Economics and Business Administration.
- ✓ Saunders, L., & Darity Jr, W. (2003). Feminist theory and racial economic inequality. Feminist economics today: Beyond economic man, 101-114.
- ✓ Thompson, G. (Ed.). (1991). Markets, hierarchies and networks: the coordination of social life. Sage.
- ✓ Thaler, R. H. (1999). Mental accounting matters. Journal of Behavioral decision making, 12(3), 183-206.
- ✓ Tso, F. P., Hamilton, G., Weber, R., Perkins, C. S., & Pezaros, D. P. (2013, July). Longer is better: Exploiting path diversity in data center networks. In 2013 IEEE 33rd International Conference on Distributed Computing Systems, 430-439.